

ابراهیم بن علی اصغر بن سلطان محمد بوذری طالقانی
کَرّودی، در کَرّود از توابع طالقان متولد شد. پدرش مکتب‌دار
و پدربزرگش ملقب به سلطان محمد، خوشنویس و کاتب
قرآن کریم بود. او تحصیلات ابتدایی را به سیاق قدیم در
مکتب خانه های ده آغاز کرد و در کنار مواد تحصیلی رایج
روزگار، نصاب البیان و گلستان سعدی را نیکو بیاموخت.

بعد از این دوره، رخت اقامت به تهران کشید و در منزل
شیخ محمدآقا بوذری طالقانی سکنی گرفت و نزد ایشان که
صاحب حوزه ای در درس و بحث بود، به ادامه تحصیل
پرداخت. ادبیات پارسی و ادب عرب و فقه و اصول و سایر
علوم متعارف زمان را، نزد شیخ مسیح ایوانکی، آیت الله

سیدابوالقاسم کاشانی، حاجی میرزا خلیل کمره ای و
حاج علی شوشتری فراگرفت و از حضرت شوشتری،
صاحب اجازه نامه ی رسمی، در امور حسبه شد. طبق رسم
روزگار، اولین هنری که آموخت، حُسن خط بود و او در هنر
خوشنویسی، تلمیذ خاصه حاج آقا زین العابدین
ساعت ساز - نواده ی میرزا زکی خان نوری - و محمد عماد
طاهری ملقب به عمادالشریعه و عماد سیفی (شاگرد
امیرحسین خان خوشنویس) و عمادالکتاب بود. در نوشتن
خط ثلث نیز، شاگرد مخصوص امیرالکتاب (خوشنویس و
شاعر با تخلص «شرقی») و در نوشتن خط نسخ نیز، از
دست پروردگان مورد توجه محضر درس آقا شیخ علی
عبدالرسولی بود که فقیه و شاعر و خوشنویس مشهور زمانه و

موسیقی ردیف و دستگاهی
موسیقی در ایران

● به قلم: سیدعلی رضا میرعلی نقی **مختصری**

از شرح حال و آثار استاد

ابراهیم بوذری (۱۳۶۵-۱۲۷۵ ش)

از شاگردان آقاسیدمحمدتقی مشرف المعالی به شمار می آمد. استاد بوذری، با شعب دیگری از هنرها نیز آشنایی داشت؛ ولی دومین استعداد هنری او که به خاطر اوضاع رایج زمانه هیچگاه مجال برای درخشش در سطح وسیع نیافت، «موسیقی» بود. او از جوانی با نسل مشهوری از بهترین موسیقیدانهای جدی اواخر عهد قاجاریه، دوستی داشت و از محضر آنان مستفیض می شد. تخصص اصلی استاد بوذری در موسیقی، در حوزه ی هنر، تعزیه خوانی بود. این هنر، میراث قدیمی و هنر آیینی زادگاه او بود و هنرمندان برجسته ای از آن اقلیم بیرون آمده اند. بوذری جوان، مدتهای مدید را نزد خواننده ی بزرگ زمان، استاد ابوالحسن خان اقبال قزوینی ملقب به اقبال السلطان (۱۳۵۰ - ۱۲۴۷ ش)

گذراند و از محضرش استفاده ی بسیار برد. گذشته از تجارب مفیدی که اقبال السلطان در زمینه ی تعزیه خوانی داشت، معلومات فوق العاده ی او در زمینه ردیف های موسیقی آوازی ایران (مکتب تبریز) نیز جزو میراث هنری نفیسی بود که طی سالها معاشرت و مجالست، از اقبال به بوذری انتقال یافت. ارادت بوذری به اقبال تا آخر عمر هر دوی آنها ادامه داشت و در جای جای گفتار و نوشتار او، عشق و احترام به استاد، زنده و جاری است. او از محضر شیخ حبیب الله کاشی ملقب به شمس الذاکرین (خواننده مذهبی و نامدار زمان) و از تعلیمات پر ارزش مصطفی کاشانی ملقب به «میر غرا» (کارگردان هنری برنامه های تکیه دولت در زمان ناصرالدین شاه و کارشناس بزرگ تعزیه) نیز،



ملاقات
میراثی

بهره برد و به واسطه ی او، با تعزیه خوانان رفیع المقام آن زمان، آشنایی و مجالست یافت. مدت‌های زیادی را نیز در سالهای جوانی به تعزیه خوانی پرداخت ولی با افزایش سن، ورود در خدمات دولتی و زوال کمی و کیفی هنر تعزیه خوانی، از اجرا در حضور جمع، کناره گرفت و تنها عده ی کمی از آشنایان و دوستان او، می توانستند در منزلش، از راهنمایی های او استفاده کنند. گفتنی این که، بوذری مدتی را نیز نزد استاد ابوالحسن صبا، ردیف های سازی را «مشق» کرد و از این رو با اختلافات اساسی ردیف های سازی و آوازی آشنا شد. همچنین مدت زمانی را نیز، نزد استاد سیدحسین طاهرزاده ی اصفهانی درس گرفت. استادی که هنرمند و الامقام آواز اصیل ایرانی و واضع «مکتب اصفهان» در موسیقی ردیف است. بین معمرینی از اهل هنر که اواخر دوره ی قاجار را درک کرده و تا سالهای اخیر نیز در میان ما می زیستند، چنین مردی با جامعیت علمی - ادبی - هنری و ذوق سلیم و طبع نقاد، کم نظیر بوده است. غیر از همه ی اینها، باید از شخصیت والای اجتماعی او یاد کرد که نود سال زندگی با آبرو، خوشنامی، درستی، ایمان و اعتقاد خالص مذهبی و دوری از هنر فروش و مقدس نمایی، درونمایه ی آن را، تشکیل داده بود.

وجه اجتماعی استاد بوذری، بیش از آن که مربوط به دانش والای او در زمینه موسیقی باشد، مربوط به خدمات و فعالیت های فرهنگی اوست که از تدریس تا تحقیق را دربرمی گیرد. او به عنوان مدرس هنر خوشنویسی در سطوح عالی، در مدارس «تمدن» و «اسلام»، در دانشکده معقول و منقول (از سال ۱۳۲۷) و در انجمن خوشنویسان ایران، سالها خدمت کرد. استاد بوذری از بنیانگذاران اصلی اولین کلاسهای انجمن خوشنویسان است. بیش از سی سال، کارشناس مخصوص خط در وزارت دادگستری بود و از کتابخانه مجلس شورا، اداره مباشرت و دارالانشاء، عنوان «خطاط رسمی» را داشت، تا این که در سال ۱۳۴۱ بعد از سی و هفت سال خدمت، بازنشسته شد. او تا آخر عمر، از اعضای اصلی هیأت امنای انجمن خوشنویسان، مشاور فرهنگ - هنری وزارت فرهنگ و هنر وقت (در بخش تحقیقات هنر قدیم، تعزیه خوانی و ردیف موسیقی) بود. گذشته از عناوین روی جلد بسیاری از کتابها، نسخ نفیسه ی زیر نیز، خط پخته و استادانه ی اوست: دیوان خواجه حافظ، منتخبات اشعار مسعود سعد سلمان، جوامع الحکایات عوفی، ترجیع بند شیوای حضرت قدوة الاولیاء حاج میرزا صفی علی نعمت اللهی (با مطلع: خواهم ای دل محو دیندارت کنم)، اشعار حاج ذوالریاستین ملقب به مونس علی شاه، منتخباتی از مثنوی معنوی، کتبه های مربوط به آرامگاههای شیخ سعیدی در شیراز و شاه خلیل الله در تفت یزد، کتبه های دروازه قرآن شیراز، و قننامه ی بیمارستان نمازی شیراز و بسیاری از کتب درسی

دیبرستانها و نیز اشعار چند کتاب آموزش موسیقی نیز، به خط محکم و زیبای اوست. او نیمی از عمر خود را، برای گردآوری قطعات مختلف از خطاطی های نفیس، کتب قدیم و صفحات قدیمی و نوارهای خصوصی از اجراهای عالی خانگی موسیقی اصیل ایرانی صرف کرد و به نوشتن مقاله و تالیف کتاب - بنا به سفارش اولیای هنری وقت - پرداخت. وی در مقام مدرس، مشاور و گاه سرپرستی موقت بعضی امور هنری، فعالیت های خود را تا حدود هشتاد سالگی حفظ کرد. آثار او عمدتاً پراکنده و غیرمدون هستند، بخشی چاپ شده اند و بخش دیگر نزد خانواده ی او نگهداری می شود. هفت فرزند او (دو دختر و پنج پسر)، دارای تحصیلات و صاحب میراث پدر در خوشنویسی هستند.

استاد ابراهیم بوذری را به عنوان یکی از خوشنویسان مبرز در قرن اخیر و صاحب مکتب تدریس و آثار فراوان می شناسند و شهرت موسیقایی او چندان نیست. در واقع او نیز، مثل بسیاری از استادان حقیقی هنر اصیل ایرانی، مایل نبود او را در افواه عامه به عنوان «موسیقیدان» بشناسند و این به خاطر فضای جامعه ای بود که از اوایل عصر رضاشاه، جبراً و قهراً به سوی انهدام روابط سنتی، و هنرهای مربوط به آن می شتافت. اما مقام او در موسیقی، کمتر از مقام او در خوشنویسی نیست. خیلی منطقی می توان تصور کرد که استاد بوذری، به همان گونه که در هنر خوشنویسی پای بند اصول هنری قدیم بود، در موسیقی نیز چنین ذهنیتی داشته است. او هم نسل بزرگانی است که بعد از نسل میرزا حسینقلی، میرزا عبدالله، سماح حضور، نایب اسدالله و سیداحمدخان سارنگ، چهره های شاخص هنر سنتی و راوی صدای زمانه ی خود هستند. مطلبی که بوذری را از موسیقیدان ها و موسیقی شناسهای هم نسلش تا حدی متمایز می کند، فریختگی و دانش او در ادبیت و عربیت و هنر ظریف و پیچیده ی خوشنویسی است. در زمانه ای که اهل موسیقی، بهره ی فرهنگی زیادی نداشتند و حتی عده ای از ماهرترین مجریان هنر، از لحاظ فرهنگی و سلوک اخلاقی در مرتبه ی عوام بودند، بوذری توانست با حفظ شأن حقیقی هنر و شخصیت والای اجتماعی خود و معنویت برخاسته از تربیت مذهبی، انتقال دهنده ی مطالب مهمی درباره ی هنر موسیقی، از نسلی به نسل دیگر باشد. بوذری را خواننده ای دانا، صاحب صدای رسا و دارای معلومات کافی در ردیف و مطالب مربوط به آن دانسته اند. اما صفحه ای از دوره ی اوج صدا و نیروی جوانی او پر نشده و شاید به همان علل اجتماعی سابق الذکر باشد. در عوض، نوارهای خصوصی بسیاری از او باقی است که توانایی های خاص و گاه جالب توجهی از او را در سنین ۶۵ الی ۸۵، به گوش می رساند. این نوارها، در محافل انس خصوصی، در منزل محترمین آن روز تهران و دانشمندان و شعرا ی معمر پر می شد و حاوی لحظات زیبایی از برخورد اندیشه ها، احساسات و

تجلیات هنری آخرین نسل راوی هنرهای قدیم است. بیشتر این جلسات، یا در خانه و باغچه مصفاي حاج آقا محمد ایرانی مجرد تشکیل می شد و یا در منزل سیدالشعراء، کریم امیری فیروزکوهی. نضر اول، موسیقی شناس زبده و دایرة المعارف سیار معلومات موسیقی دوره قاجار و دومین نفر، معاصر دایم الاوقات بهترین هنرمندان عصر و دارای معلومات شفاهی ارزنده درباره ی ساز و آواز اصیل ایرانی بود. غیر از این نوارها که با کیفیت صوتی ناروشن به طور پراکنده در دسترس علاقمندان است، یک دوره نوار از دانسته های استاد نیز، در سالهای قبل از ۱۳۵۷ به سفارش مسئولین وزارت فرهنگ و هنر وقت پر شد که گویا هم اکنون نیز محفوظ است.

از آنجا که آثار مستقلی از هنر خوانندگی استاد بوذری در ردیف آوازی پر نشده، شهرت او در کارشناسی تعزیه و

اجرای صحیح آن، بیشتر است. او، چه در آواز سنتی و چه در تعزیه خوانی، شیفته و شیدای هنر استادش «اقبال السلطان» بود و شیوه ی او را ستایش می کرد. بوذری در سایه ی دانش شفاهی خود و قدرت حافظه در عمری طولانی، توانست تبارشناسی بسیاری از آثار موسیقی ایرانی دوره ی تجدد و بعد از آن را انجام دهد. از جمله، ریشه یابی نغمه های تصانیف شیدا و عارف، و انتساب آنها به نغمات اجرا شده در تعزیه های قدیم، که هم در رساله ی «تعزیه در ایران و در مجلس آن» شرح داده شده و هم در نوارهای خصوصی. بوذری، گوشه های ویژه در ردیف آوازی قدما - که در دوره های بعدی مهجور افتاده بود- و تصانیف فراموش شده ی قدیم را خوب می شناخت و در علم الرجال تعزیه و اهل موسیقی مورد اعتماد بود.

● استاد ابراهیم بوذری طالقانی، جامع چندین هنر از خوشنویسی تا خوشخوانی بود و یادگار اقبال السلطان کبیر به شمار می رفت.

خانگی او - که با کیفیت صوتی نامطلوب پر شده اند - شنید و بررسی کرد؛ در همان لحظاتی که فردیت هنرمند، در عین استقلال، در دریای بیکرانه ی ضمیر جمعی ایرانی و خاطره قدیمی آن ذوب شده و طنین صدای اقبال السلطان بزرگ نیز، در آن به گوش می رسد و به دل می نشیند.

□ پانویس:

۱. «استاد ابراهیم بوذری هنرمند و خوشنویس». کیهان فرهنگی، دوره ۲، ش ۴ (تیر ۱۳۶۴): ۴۸.
۲. «استاد هنر خوشنویسی درگذشت». کیهان فرهنگی، دوره ۳، ش ۱۱ (بهمن ۱۳۶۵): ۴۰.
۳. بوذری، ابراهیم. تعزیه در ایران و دو مجلس آن. تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۷، ۶۸ ص.
۴. جهانگیرلو، منوچهر. پژوهش در مکاتب آوازی ایران. یادنامه استاد محمود کریمی. تهران، ناشر خانواده کریمی، ۱۳۶۴، ۱۶۸ ص، مصور: ۱۱۵-۱۲۶.
۵. خالقی، روح الله. سرگذشت موسیقی ایران (ج ۱). تهران، صفی علیشاه، ۱۳۳۳، ۵۶۸ ص، مصور: ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۸۰.
۶. راهگیری، علی. تذکره خوشنویسان معاصر (ج ۱). تهران، اسیرکبیر، ج ۲: ۱۳۶۴، ۲۳۲ ص، مصور: ۱۴۰-۱۴۲.

با این که بوذری را در کنار شاهزاده رضاقلی میرزا ظلی (خواننده خوش صدا و مطلع سالهای اوایل قرن شمسی حاضر)، تنها شاگردان شناخته شده ی اقبال السلطان در «مکتب تبریز» شناخته اند، به ظن قوی، نمی توان بوذری را نماینده کامل العیار این مکتب دانست (همان طور که ظلی نیز چنین نبود). عدم تعلق او به زبان و لهجه آذربایجان، نقید و